

در گفت‌وگوی «شرق» با کارشناس مطرح شد

تبصره ماده ۴۸ در چالش عدالت

تبصره ماده ۴۸، در این سال‌ها به دفعات بسیار مورد انتقاد و کلا قرار گرفته و از ابعاد مختلف نقد شده است. این تبصره که امکان انتخاب وکیل برای پرونده‌های سیاسی و اجتماعی را سخت می‌کند، در بسیاری موارد هم موجب انحصار وکلایی خاص در دستگاه قضای می‌شود...

صفحه ۱۰

چهارشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۱ • ۱۱ رمضان ۱۴۴۳ • ۱۳ آوریل ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۲۵۶ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان



رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران نظام:

کشور مطلقاً معطل مذاکرات نشود

گروه سیاست: رهبر معظم انقلاب اسلامی عصر روز گذشته در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، همه مسائل کشور را قطعاً قابل حل خواندند و با تبیین ابعاد مختلف شعار سال تاکید کردند: منظومه قدرت جمهوری اسلامی و دستاوردهای گوناگون آن در بخش‌های مختلف، ایران را به الگویی جذاب برای ملت‌ها تبدیل کرده است...

صفحه ۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: زاگانی دست خالی از شورا برگشت، فرهاد مجیدی مربی منطقی یا مرد احساساتی، ما برای «فصل‌کردن» آدمیم! و یادداشت‌هایی از علیرضا سلطانی، امیر عربی، ابراهیم ایوبی، محمود اشرفی، رحیم عبادی

نگاهی گذرا به ضعف جدی در خانه ملت که می‌تواند مورد بهره‌برداری تندروها قرار بگیرد

رکود در هیئت رئیسه مجلس

سرمقاله

فرهنگ غارتی یا قواعد رسمی؟



علی دینی ترکمانی

در روزهای اخیر دو اتفاق رخ داد؛ یکی درگذشت جامعه‌شناس سرشناس، زنده‌یاد علی رضاقلی و دیگری برخورد فیزیکی با زنان مایل به تماشای مسابقه فوتبال ایران و لبنان در مشهد. از آنجاکه تبیین علت اصلی واقعه مشهد، با نوع نگاه رضاقلی در کتاب «جامعه‌شناسی نخبه‌کشی» و دیگر آثار او ارتباط پیدا می‌کند، گریزی مختصر به این نگاه و نتوانی آن در تبیین این واقعه و نظایر آن می‌زنیم. چراکه چنین مواردی، از جمله مصادیق مهم برای راستی‌آزمایی دیدگاه‌های رقیب نظری مختلف هستند. چنانچه پیش‌تر در نقد مختصری نوشته بودم، رضاقلی در تلاش برای درک ریشه‌های تاریخی بلندمدت چالش‌های توسعه‌ای ایران، به «فرهنگ ایلبای و قبیله‌ای»، با وجه مشخصه غارتگری، پرداخت و آن را در کانون تحلیل خود قرار داد. وجه مشخصه‌ای برآمده از شرایط اقلیمی ایران در سده‌های گذشته که مانع از انباشت سرمایه و شکل‌گیری بازی‌های مبتنی بر همکاری گروهی شده است. این وجه مشخصه، با تکرار خود در گذر زمان، تبدیل به گداهای اجتماعی شکل‌دهنده کنش فرد ایرانی شده است؛ بنابراین از نظر وی، مشکل مهم و اساسی، نه در حوزه سیاسی و حقوقی یا «چیدمان سیاسی» که در حوزه فرهنگ است. فرهنگی که ریشه در جغرافیا و شیوه خاص تأمین معیشت قبایل مختلف در ایران گذشته دارد. فرهنگی که محتوای اصلی کوزه اجتماع ایران و در نتیجه برون‌داد یا رونمای سیاسی آن را تعیین می‌کند. مادام که این فرهنگ تغییر نکند، امیدی به پاسخ‌گویی به چالش‌ها نه‌تنها نیست بلکه باید انتظار به زیر کشیده‌شدن قائم‌مقام و امیرکبیر و مصدق زمانه، به دست مردم آب‌خورده از کوزه فرهنگ قبیله‌ای را داشت. در یک کلام، یعنی مشکل اصلی مردم هستند و فرهنگ ضد توسعه‌ای آنان. پیش‌تر در جاهای مختلف اشاره کرده‌ام که چنین دیدگاه‌هایی نه‌تنها به دیدگاه‌های «شرق‌شناسانه» پردازش‌شده به دست مستشرقان غربی پهلو می‌زند، بلکه از آنها در شکستن کاسه‌کوزه‌ها بر سر مردم و متهم‌کردن مردم به عقب‌ماندگی فکری و نادانی و دست‌وپا چلفتی بودن و... گوی سبقت را هم می‌ریزند. مصداق اخیر واقعه مشهد و بازتاب‌های اجتماعی آن، در میان مصادیق متعدد دیگر، چه می‌گوید؟ بخشی از زنان، مانند بخشی از مردان، ترجیح می‌دهند مسابقات فوتبال را از نزدیک در استادیوم‌ها به تماشا بنشینند. و از هیجان رقابت میان بازیکنان دو تیم در زمین چمن و همین‌طور واکنش‌های تماشاگران به صحنه‌های مختلف، لذت ببرند و اوقاتی را به شکلی دیگر سپری کنند. این ترجیح طبعاً مرتبط با نوع نگاه زنان و ذهنیت اجتماعی شکل گرفته است. ذهنیت اجتماعی که اگر نه کل جامعه بلکه اکثریت مطلق جامعه را بازتاب می‌دهد. ذهنیتی که هم ریشه‌های تاریخی دارد و به دوره قبل از انقلاب و وجود چنین تجربه‌هایی بازمی‌گردد و هم ریشه در باور بسیاری از زمین‌ان دارد که معتقد بوده و هستند مداخله در ریزترین امور شخصی به نام دین، امر پسندیده‌ای نیست. این ذهنیت اجتماعی، یعنی ناپسندیدن حضور زنان در استادیوم‌ها و شخصی‌بودن این موضوع، چندان تفاوتی با ذهنیت اجتماعی یک کشور فارغ از فرهنگ قبیله‌ای، به فرض وجود، ندارد. (در عالم واقع، در همه کشورها و در همه جوامع، در مقطعی از تاریخ، شیوه تولید قبیله‌ای و حتی راهزنانه وجود داشته است. برخورد‌های راهزنانه‌ای که در فیلم‌های وسترن و فیلم‌های مرتبط با قتل سرخ‌پوستان در آمریکا دیده‌ایم بخشی از واقعیت جامعه آمریکاست. یا آنچه در فیلم «دروسته نیویورکی‌ها» به کارگردانی مارتین اسکورسزی می‌بینیم؛ برخورد وحشیانه بومیان نیویورک با مهاجران ایرلندی. اما، این واقعیت تاریخی، بر اثر واقعیتی دیگر یعنی تأسیس قواعد و قوانین صحیح به مرور زمان اصلاح شده است). اگر مشکل در ذهنیت اجتماعی و فرهنگ اجتماعی جاری نیست، پس در کجاست که موجب بروز وقایع غارتگری چون برخورد فیزیکی با زنان مایل به تماشای مسابقات فوتبال می‌شود؟ مشکل در قواعد بازی رسمی تعریف‌شده است. قواعدی که از زیرساخت حقوقی نشئت می‌گیرند و در گذر زمان با نوع الگوی حامی-بیرو جاری نهادینه شده و با ضرب اقتدار اعمال می‌شوند. چنین اقتداری چون مقبول اکثریت جامعه نیست، موجب بروز تضاد و تنش می‌شود. با اقتدار مقبول که معمولاً به‌صورت خودکار رخ می‌دهد تفاوت دارد. اقتدار مقبول اجتماعی، مانند رعایت حریم اخلاقی در استادیوم است. فضای حاکم بر جامعه ایجاب می‌کند که افراد در چنین مکان‌هایی اخلاق اجتماعی را رعایت کنند در غیر این صورت با برخورد جمع مواجه می‌شوند. این قواعد زیرساختی، سنگینی اولیه نوع مناسبات اجتماعی و توسعه‌ای در هر جامعه‌ای را شکل می‌دهند. بر مبنای آنها، نوع سازمان‌ها و دستگاه‌ها در سطح میانی شکل می‌گیرند و در لایه بالاتر، کنشگری‌های فردی خلق می‌شوند. علت اصلی کنشگری افرادی که با زنان دست‌به‌پایه می‌شوند، در کنار باورهای شخصی‌شان، ریشه در چارچوب‌های سازمانی و شرح وظایف محوله به آنها دارد. این نیز ریشه در قواعد اساسی زیرساختی دارد. قواعدی که اجازه تأسیس چنین ساختارهای سازمانی با شرح وظایف خاص را می‌دهد. خلاصه کنیم، حادثه مشهد به خوبی دال بر این است که منشا تضاد، نه فرهنگ اجتماعی عقب‌مانده و ایلبای و راهزنانه، بلکه قواعد نادرست رسمی تعریف‌شده است. مادام که چنین قواعدی در کار باشند، گریزی از تضادها و تنش‌ها و عواقب آن در حوزه‌های مختلف نیست. این قواعد در کنار تولید و بازتولید تضادها و تنش‌های اجتماعی، از نظر اقتصادی نیز کارکردی مهمی دارند که همانا تخصیص منابع بودجه‌ای برای خلق چنین حوادثی است که به جای تقویت سرمایه اجتماعی تسهیل‌کننده انباشت مولد اجتماعی گرد، آن را به‌شدت تضعیف می‌کند و بر دامنه بحران‌های توسعه‌ای می‌افزاید.



عکس: سهند تاللی / شرق

اصفهان ۱۴۰۰ صحنه یک تجمع مردمی بی‌سابقه بود. با اینکه در یک دهه گذشته کشاورزان شرق اصفهان هرساله برای دسترسی به حقایق کشاورزی دچار مشکل بوده و تجمعاتی را ترتیب داده بودند، امسال تن خشک زاینده‌رود علاوه بر کشاورزان شرق، شاهد حضور کشاورزان غرب اصفهان هم بود. حتی با ادامه تجمعات، سایر شهروندان که خواستار جاری‌شدن آب در زاینده‌رود و احیای تالاب گاوخونی بودند نیز به این حرکت جمعی پیوستند.

اتفاقی که برای زاینده‌رود افتاده، اتفاقاً مسئله ساده‌ای است اما راه‌حلش بسیار مشکل است. مسئله ساده است از این نظر که بین منابع و مصارف آب، تعادل به هم خورده است. برای هزاران سال تعادلی بین منابع و مصارف وجود داشته است. در این چند هزار سال خشک‌سالی و ترسالی هم داشته‌ایم ولی هیچ‌گاه رودخانه به شکل کنونی در درازمدت خشک نبوده است. ماجرا این

متن و حاشیه

خلیج فارس؛ توازن قوا و دیپلماسی



محمود اشرفی

دیدگاه‌های رایج پیرامون توازن قوا آرام‌آرام رنگ می‌بازد و در فهرستگان نظریه‌های کلاسیک جای می‌گیرد. نگارش کلاسیک توازن قوا مبتنی بر افزایش توان نظامی و انباشت

است که در سال آبی ۹۷-۹۶ زاینده‌رود ۲۰ ماه خشک مطلق بوده است. حالا هرچند هرازگاهی زاینده‌رود جاری می‌شود، اما به نظر می‌رسد فعلاً راه‌حلی جدی برای احیای این رودخانه وجود ندارد. مسأله شرایط فعلی حوضه زاینده‌رود نشان می‌دهد در بیشتر ماه‌های سال، به دلیل برداشت‌های متعدد، عملاً امکان جاری‌بودن رودخانه در کل سال و تأمین نیاز زیست‌محیطی تالاب گاوخونی شدنی نیست یا بسیار سخت است. از طرف دیگر، ارزیابی برنامه‌ها و اقدامات اجرایی در زمینه زاینده‌رود، نشان می‌دهد توجه به نیاز زیست‌محیطی و پایداری جریان رودخانه صرفاً در حد شعار بوده و هیچ‌گاه در دستور کار تصمیم‌سازان ملی و منطقه‌ای قرار نگرفته است. متأسفانه در سال‌های اخیر، تبدیل زاینده‌رود به «کانال موقت آب‌رسانی» و قطع و وصل مکرر جریان آب و خشکاندن ادواری زاینده‌رود و نابودی میلیاردها زیست‌مند حریم و بستر رودخانه به رویه‌ای عادی تبدیل شده و از آثار منفی و خطرناک آن، یعنی افت آبخوان‌ها و بروز پدیده فرونشست زمین غفلت شده است. این پرونده نگاهی دارد به همه ابعاد خشکی زاینده‌رود که در ادامه خواهید خواند.

این گزارش را در صفحه ۶ بخوانید

گزارش تیتربک را در صفحه ۲ بخوانید

۴ پرده از اتفاقات عجیب در تلویزیون

روشنگری درباره دعوت نشدن کمالی به تیم ملی

پاک‌سازی در سرویس امنیت فدرال روسیه

خودی‌ها چگونه می‌توانند پوتین را سرنگون کنند؟

نیمی از سدهای ایران خالی مانده‌اند کسری سنگین ذخایر آب

یادداشت روزنامه‌نگاران

در ستایش هم‌رنگ‌نشدن با جماعت



علی اصغر سیدآبادی

این روزها هر وقت سری به شبکه‌های اجتماعی بزنید، خواهید دید که یکی را خوابانده‌اند و جماعتی دارند حدش می‌زنند؛ مثل همان سال‌ها که در میدان‌ها و چهارراه‌ها و در ملاعق حد می‌زدند. هر روز هم دایره کسانی که حد می‌خورند، بزرگ‌تر می‌شود. در سال‌های آخر دولت روحانی، این دایره آن قدری بزرگ بود که حامیان اصلاح‌طلب و مدیران دولت او را در بر گیرد؛ اما چندان بزرگ نبود که دست‌کم پای هنرمندان و نویسندگان و شاعران و زندانیان سیاسی در آن قرار بگیرد؛ اما حالا اوضاع فرق کرده است. حالا این دایره این‌قدر بزرگ شده است که تقریباً هرکسی که در ایران کاری می‌کند، می‌تواند در این دایره قرار بگیرد. همیشه جماعتی سنگ‌به‌دست منظر ایستاده‌اند تا ببینند چه کسی را برای زدن خوابانده‌اند. اما چه کسی یا کسانی تصمیم می‌گیرند که چه کسی یا کسانی را بخوابانند برای حذرزد جمعیت؟ روایت‌ها و حکایت‌ها و حدس‌ها و گمان‌ها متفاوت است. به نظر برخی، مردم عصبانی هستند و چنین فضایی برآمده از عصبانیت است و هرکس که به این عصبانیت به دیده انتقاد بنگرد یا آن را انکار کند یا دعوت به آرامش کند، شریک عاملان خواهد بود و مستحق حدخوردن است. برخی دیگر آن را پروژه‌های داخلی از سوی برخی از گروه‌ها و گرایش‌های سیاسی می‌دانند برای زدن تمام کسانی که در آینده می‌توانند رقیب‌شان باشند یا به نفع رقیبان‌شان در آینده نقشی ایفا کنند. این گروه حضور جمعیت‌های پرشمار برخی از جریان‌های برانداز در میان این جماعت را هم با ناشی از همدستی و همراهی این جریان‌ها می‌دانند یا معتقدند که این اتفاقات نوعی فریب و کارسپاری جمعی است.

ادامه در صفحه ۵

بازگشت همه به سوی اوست
با نهایت تأسف و تأثر
درگذشت همسری فداکار و
پدربزرگ مهربان مرحوم مغفور

شادروان رحیم معمار نظری
را به اطلاع می‌رسانیم. به همین مناسبت
مراسم سوم روز پنجشنبه ۱۴۰۱/۱۱/۲۵
در قطعه ۲۰۶ از ساعت ۱۷ لغایت ۱۸
برگزار می‌شود.

خانواده محترم معمار نظری
مصیبت درگذشت مرحوم مغفور
شادروان رحیم معمار نظری
را به شما صمیمانه تسلیت می‌گوییم
و برای آن مرحوم علو درجات و برای
بازماندگان صبر از درگاه خداوند متعال
مسئلت داریم.

رضایی-ورزنده‌آذر-امیرمظاهری

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰ ۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR

ارتباط با روزنامه شرق
T.ME/ALOSHARGH
WWW.SHARGHDAILY.IR